



## پایه سوم متوسطه

### خطبه ۲۳

**بخش اول:** **أَمَّا بَعْدُ:** فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ كَقَطْرَاتِ الْمَطَرِ إِلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا قَسَمَ لَهَا، مِنْ زِيَادَةٍ أَوْ نَقْصَانٍ، فَإِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ غَفِيرَةً فِي أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ نَفْسٍ فَلَا تَكُونَنَّ لَهُ فِتْنَةً! فَإِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ مَا لَمْ يَغْشَ ذَنَاءَةً تَظْهَرُ فَيَخْشَعُ لَهَا إِذَا ذُكِرَتْ وَ يُعْرَى بِهَا لِئَامُ النَّاسِ، كَانَ كَالْفَالِجِ الْيَاسِرِ الَّذِي يَنْتَظِرُ أَوَّلَ فَوْزَةٍ مِنْ قِدَاحِهِ تُوجِبُ لَهُ الْمَغْنَمَ، وَ يُرْفَعُ بِهَا عَنْهُ الْمَغْرَمُ. وَ كَذَلِكَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ الْبَرِيُّ مِنَ الْخِيَانَةِ يَنْتَظِرُ مِنَ اللَّهِ إِحْدَى الْحُسْنَيْنِ: إِمَّا دَاعِيَ اللَّهِ فَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لَهُ، وَ إِمَّا رِزْقَ اللَّهِ فَإِذَا هُوَ ذُو أَهْلٍ وَ مَالٍ، وَ مَعَهُ دِينُهُ وَ حَسْبُهُ. وَ إِنْ أَلْمَأَ وَ الْبَيْنِينَ حَرَّتُ الدُّنْيَا، وَ الْعَمَلَ الصَّالِحَ حَرَّتُ الْآخِرَةَ، وَ قَدْ يَجْمَعُهُمَا اللَّهُ تَعَالَى لِأَقْوَامٍ.

اما بعد ( از حمد و ثنای الهی بدانید! این خطبه مشتمل بر ترغیب فقرا به زهد و توصیه اغنیا به محبت و مهربانی است.) مواهب پروردگار، مانند قطره های باران، از آسمان به زمین نازل می شود و به هر کس سهمی زیاد یا کم، (مطابق آنچه خداوند مقدر فرموده) می رسد. بنابراین هرگاه یکی از شما برای برادر خود برتری ای در همسر و فرزند و مال یا جسم و جان ببیند، نباید نسبت به او موجب فتنه گردد (و سبب حسادت و کینه و عداوت و یا یأس و سوءظن به پروردگار شود)؛ زیرا، هر گاه مسلمان به عمل زشتی که از آشکار شدنش شرمنده می شود و افراد پست، آن را وسیله هتک حرمتش قرار می دهند، دست نیالاید، به مسابقه دهنده ماهری می ماند که منتظر است در همان دور نخست، پیروز شود و سود وافری ببرد، بی آن که زیانی ببیند. نیز، مسلمانی که از خیانت به دور است، در انتظار یکی از دو خوبی از سوی خدا است: یا فرا رسیدن دعوت الهی است (که عمر او را به نیکنامی و حسن عاقبت پایان می دهد) و در این حال، آنچه را خداوند از پاداش های نیک فراهم ساخته، برای او بهتر است، و یا سرانجام، در همین دنیا، خداوند، روزی او را وسیع می کند و صاحب همسر و فرزند (و مال فراوان) می شود، در عین این که دین و شخصیت خود را حفظ کرده است؛ ولی (بدانید فرق میان این دو، بسیار است.) مال و فرزندان، کشت و زراعت این جهانند و عمل صالح و نیک، کشت آخرت است، اما گاهی خداوند، هر دو را برای گروهی جمع می کند. (و آنان را از نعمت های دنیا و آخرت، هر دو، بهره مند می سازد.)



**بخش دوم:** فَاحْذَرُوا مِنَ اللَّهِ مَا حَذَرَكُمْ مِنْ نَفْسِهِ، وَاحْشَوْهُ خَشْيَةً لَيْسَتْ بِتَعْذِيرٍ! وَأَعْمَلُوا فِي غَيْرِ رِيَاءٍ وَلَا سُمْعَةٍ، فَإِنَّهُ مَنْ يَعْمَلْ لِغَيْرِ اللَّهِ يَكِلْهُ اللَّهُ لِمَنْ عَمِلَ لَهُ. نَسَأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشَّهَدَاءِ وَمُعَايِشَةَ السُّعْدَاءِ وَمُرَاقَبَةَ الْأَنْبِيَاءِ.

ترجمه

از خدا بترسید آن گونه که شما را از خویش برحذر داشته است! و صادقانه، از او خشیت داشته باشید، به طوری که نیازی به عذرخواهی های واهی نباشد! اعمال خود را از ریا و سُمعه، پاک کنید! چرا که هر کس، کاری برای غیر خدا انجام دهد، خداوند، او را به همان کس وامی گذارد (تا پاداشش را از او بگیرد).

از خدا تقاضا می کنیم که درجات شهیدان و زندگی سعادتمندان و همنشینی پیامبران را، به ما عنایت فرماید!

**بخش سوم:** أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا يَسْتَعْنِي الرَّجُلُ - وَ إِنْ كَانَ ذَا مَالٍ - عَنْ عِتْرَتِهِ، وَ دَفَاعِهِمْ عَنْهُ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَلْسِنَتِهِمْ وَ هُمْ أَكْثَرُ النَّاسِ حَيْطَةً مِنْ وَرَائِهِ وَ أَلْمُهُمْ لِشَعْنِهِ وَ أَعْظَمُهُمْ عَلَيْهِ عِنْدَ نَازِلَةٍ إِذَا نَزَلَتْ بِهِ. وَ لِسَانُ الصِّدْقِ يَجْعَلُهُ اللَّهُ لِلْمَرْءِ فِي النَّاسِ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْمَالِ يَرِثُهُ غَيْرُهُ.

ترجمه

ای مردم! انسان، هر چند ثروتمند باشد، از اقوام و بستگان خود، بی نیاز نیست که از وی، با دست و زبان دفاع کنند. آنها در واقع، بزرگ ترین گروهی هستند که از او پشتیبانی می کنند و پریشانی و مشکلات را از میان می برند و به هنگام بروز حوادث سخت، نسبت به او، از همه، مهربان ترند و نام نیکی که خداوند (در سایه نیکوکاری و محبت) به انسان عطا می کند، از ثروتی که به هر حال، برای دیگران به ارث می گذارد بهتر است، (که این، ثروتی است معنوی و ماندگار، و آن جیفه ای مادی و فرار).

**بخش چهارم :** و منها: أَلَا لَا يَعْدِلُنَّ أَحَدُكُمْ عَنِ الْقَرَابَةِ يَرَى بِهَا الْخِصَاصَةَ أَنْ يَسُدَّهَا بِالْأَيْدِي لَا يَزِيدُهُ إِنْ أَمْسَكَهُ وَ لَا يَنْقُصُهُ إِنْ أَهْلَكَهُ; وَ مَنْ يَقْبِضْ يَدَهُ عَنْ عَشِيرَتِهِ، فَإِنَّمَا يَقْبِضُ مِنْهُ عَنْهُمْ يَدٌ وَاحِدَةٌ وَ يَقْبِضُ مِنْهُمْ عَنْهُ أُيُدٌ كَثِيرَةٌ، وَ مَنْ تَلَّنْ حَاشِيَتَهُ يَسْتَدِمُ مِنْ قَوْمِهِ الْمَوَدَّةَ.

ترجمه

در ادامه همان خطبه آمده: آگاه باشید! هیچ یک از شما، نباید از بستگان نیازمند خود، رویگردان شود و از آنان، چیزی را دریغ دارد؛ که نگه داشتنش مایه فزونی نیست و از بین رفتنش، کمبودی برای او نمی آورد. آن کس که دست دهنده خویش را از بستگانش بازدارد، تنها یک دست را از آنها باز داشته، و در مقابل، آنان، دست های بسیاری را از کمک کردن به او، باز می دارند. و آن کس که نسبت به بستگانش، متواضع و نرمخو و پرمحبت باشد، دوستی آنان را، برای خود، همیشگی خواهد ساخت.



### خطبه ۳۲

**بخش اول:** أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّا قَدْ أَصْبَحْنَا فِي دَهْرٍ عُنُودٍ، وَزَمَنٍ كُنُودٍ، يُعَدُّ فِيهِ الْمُحْسِنُ مُسِيئًا وَ يَزْدَادُ الظَّالِمُ فِيهِ عُتُورًا. لَا نَنْتَفِعُ بِمَا عَلِمْنَا، وَلَا نَسْأَلُ عَمَّا جَهِلْنَا، وَلَا نَتَخَوَّفُ قَارِعَةً حَتَّى تَحُلَّ بِنَا.

ای مردم! ما در روزگاری کینه توز و زمانی پرکفران واقع شده ایم که در آن نیکوکار، بدکردار شمرده می شود و پیوسته بر ظلم ظالمان افزوده می شود. از آنچه می دانیم بهره نمی گیریم و از آن چه نمی دانیم سؤال نمی کنیم و از حوادث کوبنده تا بر ما فرود نیاید نمی ترسیم!

**بخش دوم:** فَالنَّاسُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَصْنَافٍ: مِنْهُمْ مَنْ لَا يَمْنَعُهُ الْفَسَادُ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَهَانَةً نَفْسِهِ، وَ كَلَالَةً حَدِّهِ، وَ نَضِيضٌ وَفَرِهِ. وَ مِنْهُمْ الْمُصَلِّتُ لِسَيْفِهِ، وَ الْمَعْلَنُ بِشِرِّهِ، وَ الْمُجَلِبُ بِخَيْلِهِ وَ رَجَلِهِ، قَدْ أَشْرَطَ نَفْسَهُ، وَ أَوْبَقَ دِينَهُ لِحُطَامٍ يَنْتَهِرُهُ، أَوْ مِقْنَبٍ يَقُودُهُ، أَوْ مِنْبَرٍ يَفْرَعُهُ. وَ لَيْسَ الْمُتَجَرُّ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ ثَمَنًا، وَ مِمَّا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عِوَضًا! وَ مِنْهُمْ مَنْ يُطَلِّبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ، وَ لَا يُطَلِّبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا قَدْ طَامَنَ مِنْ شَخْصِهِ، وَ قَارَبَ مِنْ خَطْوِهِ، وَ شَمَّرَ مِنْ ثَوْبِهِ، وَ زَخَرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلْأَمَانَةِ، وَ اتَّخَذَ سِتْرًا لِلَّهِ ذَرِيعَةً إِلَى الْمَعْصِيَةِ.

و مِنْهُمْ مَنْ أَقْعَدَهُ عَنْ طَلَبِ الْمُلْكِ ضُؤُولَةَ نَفْسِهِ، وَ انْقِطَاعَ سَبَبِهِ فَقَصَّرَتْهُ الْحَالُ عَلَى حَالِهِ، فَتَحَلَّى بِاسْمِ الْقِنَاعَةِ، وَ تَرَزَّنَ بِلِبَاسِ أَهْلِ الزَّهَادَةِ، وَ لَيْسَ مِنْ ذَلِكَ فِي مَرَاحٍ وَلَا مَعْدَى.

و مردم (فاسد) چهار گروه اند: گروهی از آنها کسانی هستند که اگر دست به فساد نمی زنند، به خاطر این است که روحشان ناتوان و شمشیرشان کند و مالشان اندک است (آری، آنها در ایجاد فساد، شناگران ماهری هستند، ولی آب پیدا نمی کنند). گروه دیگر کسانی هستند که شمشیر کشیده و شرارت و فساد خویش را آشکار ساخته و لشکر سواره و پیاده خود را (برای این منظور گردآوری کرده اند). آنها، باطن خود را برای ظلم و فساد آماده ساخته و دین خود را تباه کرده اند. هدفشان آن است که چیزی از متاع دنیا را به چنگ آورند یا فرماندهی بر گروهی را برای خود فراهم سازند یا بر منبری صعود کنند (و لباس پیشوایی مردم را بر تن کنند و برای آنها، خطبه های دروغین بخوانند). چه بد تجارتنی است که تو (ای انسان فاسد و طغیانگر) برای خود فراهم ساخته ای: دنیا را بهای خویشان می بینی و آن را با پادشاهی که نزد خدا است معاوضه می کنی!

گروه دیگری از مردم، کسانی هستند که دنیا را با کارهای آخرت طلب می کنند، نه این که آخرت را با عمل دنیا طلب کنند. (آنها با ریاکاری دین خود را به دنیا می فروشند و آنچه را نتوانستند با ظلم و زور به دست آورند، با تزویر می طلبند و برای وصول به این هدف)، خود را متواضع جلوه می دهند. گامها را کوتاه برمی دارند و دامن خود را (ظاهراً از آلودگی به دنیا) جمع می کنند و خویشان را به زیور امانتداران می آریند (و در یک جمله) پوشش خدایی را وسیله معصیت قرار می دهند. گروه دیگر کسانی هستند که حقارت و ناتوانی و نداشتن وسیله کافی، آنان را از رسیدن به جاه و مقام بازداشته و دستشان را



از همه جا کوتاه کرده است، (در حالی که از دیگر فاسدان و مفسدان چیزی کم ندارند، ولی به این حقیقت هرگز اعتراف نمی کنند، بلکه) خود را به زیور قناعت آراسته اند و به لباس زاهدان درآمدند، در حالی که در هیچ زمان، نه به هنگام شب و نه روز، در سلک پارسایان راستین نبوده اند. (این چهار گروه همه فاسدند و همه خطرناکند، هر چند در چهره های مختلف ظاهر می شوند.

**بخش سوم:** وَ بَقِيَ رَجَالٌ غَضَّ أَبْصَارَهُمْ ذِكْرُ الْمَرْجِعِ وَ أَرَأَقَ دُمُوعُهُمْ خَوْفُ الْمُحْشَرِ، فَهُمْ بَيْنَ شَرِيدِ نَادٍ، وَ خَائِفِ مَمْنُوعٍ وَ سَاكِتِ مَكْعُومٍ وَ دَاعٍ مُخْلِصٍ وَ تَكْلَانٍ مُوجِعٍ قَدْ أَخْمَلَتْهُمُ التَّقِيَّةُ وَ شَمَلَتْهُمُ الدَّلَّةُ فَهُمْ فِي بَحْرِ أُفْوَاهِهِمْ ضَامِرَةٌ، وَ قُلُوبُهُمْ قَرِحَةٌ، قَدْ وَعَظُوا حَتَّى مَلُّوا وَ قَهَرُوا حَتَّى ذَلُّوا، وَ قَتَلُوا حَتَّى قَلُّوا.

(در این میان) گروهی باقی مانده اند که یاد قیامت، چشمهایشان را فرو افکنده و ترس دادگاه محشر اشکهایشان را جاری ساخته است. آنان (به خاطر حق گوئی و حق جوئی) یا از جامعه رانده و آواره شده اند و یا ترسان به گوشه تنهایی خزیده و یا خاموشند و مهر سکوت، بر دهان زده اند (چرا که گوش شنوا و دل بیداری که حق را درک نمی یابند) یا مخلصانه (به امید تأثیر در بعضی از دل ها) به سوی خدا دعوت می کنند و یا با چشمی گریان و دلی پردرد (به صحنه های پرفسادی که قادر بر تغییر آن نیستند) می نگرند. تقیه آنان را منزوی ساخته و به فراموشی سپرده، (به خاطر نبودن یار و یاور) ناتوانی و ذلت وجودشان را فرا گرفته است. آنها به کسانی می مانند که در دریای نمک فرو رفته اند (که هرگونه حرکتی برای آنها سبب سوزش بیشتر است). دهانشان بسته و قلوبشان مجروح است. آن قدر نصیحت کرده اند که خسته شده اند و به قدری تحت فشار قرار گرفته اند که ناتوان گشته اند و آن قدر (در میدان مبارزه) کشته داده اند که به کمی گراییده اند.

(در این میان) گروهی باقی مانده اند که یاد قیامت، چشمهایشان را فرو افکنده و ترس دادگاه محشر اشکهایشان را جاری ساخته است. آنان (به خاطر حق گوئی و حق جوئی) یا از جامعه رانده و آواره شده اند و یا ترسان به گوشه تنهایی خزیده و یا خاموشند و مهر سکوت، بر دهان زده اند (چرا که گوش شنوا و دل بیداری که حق را درک نمی یابند) یا مخلصانه (به امید تأثیر در بعضی از دل ها) به سوی خدا دعوت می کنند و یا با چشمی گریان و دلی پردرد (به صحنه های پرفسادی که قادر بر تغییر آن نیستند) می نگرند. تقیه آنان را منزوی ساخته و به فراموشی سپرده، (به خاطر نبودن یار و یاور) ناتوانی و ذلت وجودشان را فرا گرفته است. آنها به کسانی می مانند که در دریای نمک فرو رفته اند (که هرگونه حرکتی برای آنها سبب سوزش بیشتر است). دهانشان بسته و قلوبشان مجروح است. آن قدر نصیحت کرده اند که خسته شده اند و به قدری تحت فشار قرار گرفته اند که ناتوان گشته اند و آن قدر (در میدان مبارزه) کشته داده اند که به کمی گراییده اند.

**بخش چهارم:** فَلْتَكُنِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِكُمْ أَصْغَرَ مِنْ خُتَالَةِ الْقَرْظِ وَ قُرَاضَةِ الْجَلَمِ وَ اتَّعِظُوا بِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، قَبْلَ أَنْ يَتَّعِظَ بِكُمْ مَنْ بَعْدَكُمْ، وَ ارْقُضُوهَا دَمِيمَةً، فَإِنَّهَا قَدْ رَفَضَتْ مَنْ كَانَ أَشْغَفَ بِهَا مِنْكُمْ.



باید دنیا در چشم شما کم ارزشتر از تفاله برگ هایی باشد که با آن دباغی می کنند (که بسیار بدبو و متعفن و بی ارزش است) یا (بی بهاتر از) بقایای قیچی شده پشم حیوانات باشد (که بر زمین می ریزد و کسی به آن اعتنا ندارد). و از کسانی که پیش از شما بودند پند گیرید، قبل از آن که آیندگان از شما پند گیرند و این دنیای پست و نکوهیده را رها کنید زیرا کسانی را که از شما شیفته تر نسبت به آن بودند رها ساخت (و به عاشقان خود کم ترین وفایی نکرد).